

افزایش «نمرات دانش‌آموزان ایرانی»

میانگین کشوری نمرات دانش‌آموزان علوم انسانی در امتحانات نهایی خرداد امسال ۸٫۷۵ بوده است

گروه اجتماعی

«میانگین کشوری نمرات دانش‌آموزان در امتحانات نهایی خرداد ۱۴۰۲ در رشته تجربی ۱۱٫۲۳، رشته ریاضی ۱۰٫۷۹، رشته انسانی ۸٫۷۵ و در رشته معارف ۱۰٫۵۶ بوده است»؛ این خلاصه و مهم‌ترین نکته گزارش تازه وزارت آموزش و پرورش از شرایط نمرات و معدل دانش‌آموزان ایرانی است که زنگ خطر درباره سواد و توان دانش‌آموزان را بیش از پیش به صدا درآورده و کارشناسان و افکار عمومی را به واکنش واداشته است. چنین معدلی اگرچه به شدت هشدارآمیز است و بحرانی‌ترین عدد در چنددهه گذشته هم محسوب می‌شود اما تنها نشانه آب رفتن سواد دانش‌آموزان ایرانی نیست و در چندماه گذشته بارها شاهد گزارش‌هایی بین‌المللی در این زمینه بوده‌ایم که آخرین مورد همان آزمون «پرلز» است. پیش از پرداخت به تحلیل این شرایط و جزییات مولفه‌های بین‌المللی که از شرایط بگرنج سواد دانش‌آموزان ایرانی می‌گویند خوب است نگاهی به داده‌های تازه درباره معدل دانش‌آموزان داشته باشیم؛ اعداد چه می‌گویند و شرایط مناطق مختلف ایران چگونه است؟ نسبت بین شرایط اقتصادی و وضعیت توسعه استان‌ها با معدل دانش‌آموزان به چه صورت است؟

معدل زیر ۱۰ در چندین استان ایران

اعداد رسمی تازه به ما می‌گویند که معدل امسال دانش‌آموزان ایرانی نسبت به سال‌های گذشت افت کرده و در یک دهه گذشته شاهد روندی نزولی بوده‌ایم. براساس این اطلاعات میانگین معدل دانش‌آموزان سال ۱۳۹۸ در رشته علوم تجربی، ۱۳٫۷۷ بود که در سال ۱۴۰۲ به ۱۱٫۲۳

رسیده است. در رشته علوم ریاضی، میانگین معدل دانش‌آموزان سال ۱۳۹۸، ۱۳.۲۸ و در سال ۱۴۰۲، ۱۰.۷۹ است. در رشته علوم انسانی، میانگین معدل دانش‌آموزان سال ۱۳۹۸، ۱۰.۷۶ بود که در سال ۱۴۰۲ به ۸.۷۵ رسید. در رشته علوم و معارف اسلامی، میانگین معدل دانش‌آموزان سال ۱۳۹۸، ۱۲.۸۸ بود که در سال ۱۴۰۲ به ۱۰.۵۶ رسیده است. این اعداد و ارقام رسمی همچنین نشان می‌دهد که در بسیاری از استان‌های ایران وضعیت معدل در سال ۱۴۰۲ قرمز و نارنجی است، یعنی میانگین معدل دانش‌آموزان 10 و کمتر از 10 است.

این آمار درحالی است که همین هفته پیش «محسن زارعی»، رییس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش با اشاره به اینکه در امتحان نهایی امسال فقط يك دانش‌آموز پسر رشته تجربی در کشور موفق به کسب معدل ۲۰ شد، گفته بود: «در مجموع افت نمرات دانش‌آموزان را شاهد بودیم، سال گذشته میانگین نمرات در شاخه نظری ۱۱.۶۲ و امسال به ۱۰.۰۲ رسید.» این مقام مسوول در وزارت آموزش و پرورش ایران درباره دلایل افت نمرات امتحانات نهایی خرداد ۱۴۰۲ هم گفته بود: «راهبرد مطالعه دانش‌آموزان صحیح نیست و در مطالعه دروس به مفاهیم مهم، کلیدواژه‌ها و حفظ کردن توجه داشتند. متأسفانه نظام ارزشیابی چهارگزینه‌ای، روش مطالعه دانش‌آموزان را به سمت حافظه‌محوری سوق داده و شرایط به گونه‌ای شده است که دانش‌آموز می‌گوید من دروس را مطالعه کردم، اما در حقیقت به حفظ مطالب اکتفا کرده و یادگیری مینا نبوده، این روند باعث شده است عملکرد او خوب نباشد، در حالی که در خرداد ۱۴۰۲ سوالات امتحانات نهایی استنباطی بود.» این سخنان درحالی است که بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان ریشه وضعیت بفرنج سواد را به موارد دیگری از جمله شرایط اقتصادی و اجتماعی کلی کشور نسبت می‌دهند. ماجرای آب رفتن سواد دانش‌آموزان ایرانی اما نه تنها به همین مولفه معدل برنمی‌گردد و پیش‌تر نتایج چندین معیار و آزمون بین‌المللی هم چنین شرایطی را نشان می‌دهد که یکی از معتبرترین و معروفترین آنها آزمون پرلز است.

وضعیت بحرانی سواد خواندن و نوشتن دانش‌آموزان ایرانی

اوایل تابستان همین امسال بود که نتایج آزمون پرلز ۲۰۲۱ منتشر شد و شرایط دانش‌آموزان ایرانی بسیاری از مسوولان و کارشناسان را حیرت‌زده کرد؛ نتایجی که نشان می‌داد ایران یکی از ضعیف‌ترین کشورها در منطقه است. آزمون پرلز که پیشرفت سواد خواندن را می‌سنجد چندین معیار سنجش دارد و در آزمون سال ۲۰۲۱، معیار بین‌المللی پیشرفته (امتیاز ۶۲۵)، معیار بین‌المللی بالا (امتیاز ۵۵۰)، معیار

بین‌المللی متوسط (امتیاز ۴۷۵) و معیار بین‌المللی پایین (امتیاز ۴۰۰) بوده است. در این آزمون دانش‌آموزان ایرانی در توانایی خواندن، نمره ۴۱۳ را کسب کردند که در حد معیار بین‌المللی پایین است و به عبارتی دیگر ایران یکی از کشورهای انتهایی جدول در آزمون پرلز بوده است. در این آزمون که با مشارکت ۵۷ کشور انجام شده و داده‌های آن طی دو سال (۲۰۲۱-۲۰۲۲) در طول همه‌گیری کرونا جمع‌آوری شده بود، ایران به نسبت سال‌های پیش شرایط نامناسبی پیدا کرده بود. عملکرد ایران در سال ۲۰۰۱ از میان ۳۵ کشور شرکت‌کننده با کسب نمره ۴۱۴، رتبه ۳۲ پرلز؛ در سال ۲۰۰۶ از بین ۴۵ کشور با کسب نمره ۴۲۱، رتبه ۴۰؛ در سال ۲۰۱۱ از بین ۴۸ کشور رتبه ۳۸ بود. کشورمان در سال ۲۰۱۶ از بین ۵۰ کشور رتبه ۴۵ را کسب کرد که با کاهش تقریباً ۲۹ نمره‌ای در آن سال به شرایط سال ۲۰۰۶ در مقایسه با خودش تنزل کرد و نهایتاً در سال ۲۰۲۱ از بین ۵۷ کشور شرکت‌کننده که شامل ۴۳ کشور مذکور و ۱۴ کشور دیگری که جمع‌آوری داده‌ها را تا «آغاز پایه پنجم» به تأخیر انداختند رتبه ۵۳ (بر اساس نمایه ۱.۱ پرلز ۲۰۲۱) را کسب کرد؛ ایران در این سال و با کسب نمره ۴۱۳ و کاهش ۱۵ نمره‌ای نسبت به سال ۲۰۱۶ به شرایط خود در آزمون پرلز سال ۲۰۰۱ تنزل پیدا کرد. این نمره در چهار مقیاس عملکردی خواندن (پایین-نمره ۴۰۰؛ متوسط-نمره ۴۷۵؛ بالا-نمره ۵۵۰ و پیشرفته-نمره ۶۲۵) به دست آمد که در مقایسه با کشور سنگاپور به عنوان دارنده بالاترین نمره عملکردی، کاهش عملکردی ۱۷۴ نمره‌ای و در مقایسه با سال ۲۰۱۶ ایران، کاهش ۱۵ نمره‌ای را نشان داده است. درصد دستیابی به نقاط معیار بین‌المللی خواندن دانش‌آموزان ایران در قیاس با سنگاپور، میانه بین‌المللی و پرلز ۲۰۱۶ ایران، براساس نتایج پرلز ۲۰۲۱ متأسفانه تنها یک‌درصد از مجموع دانش‌آموزان ایرانی به «نقطه معیار عملکردی پیشرفته» که دربردارنده اهداف مترقی و عالی سواد خواندن است، دست یافتند. پیش‌تر «علی‌اصغر سورتیجی‌اوکرکایی» درباره این آزمون در «اعتماد» نوشته بود که «در مقام مقایسه با پرلز ۲۰۱۶ و پیش از کووید ۱۹ درصد دستیابی به این سطح از سواد خواندن، همان یک‌درصد بود. این درحالی است که ۳۵ درصد دانش‌آموزان سنگاپوری در ۲۰۲۱ به این نقطه دست یافتند. از طرفی نیز میانه بین‌المللی عملکردی این نقطه معیار، ۷ درصد است. در نقطه معیار بعدی قابلیت‌های خواندن، یعنی «نقطه معیار عملکردی بالا» با کاهش ۴ درصدی در قیاس با سال ۲۰۱۶، فقط ۷ درصد از کل دانش‌آموزان ایران در ۲۰۲۱ به این سطح دست یافتند. درحالی که درصد عملکردی دانش‌آموزان سنگاپوری ۷۱ درصد از مجموع دانش‌آموزان پسر و دختر آن کشور و میانه بین‌المللی هم در این مورد ۳۶ درصد بوده است.» ایران در مقایسه با

کشورهای همسایه هم شرایط بدتری در این آزمون داشت و ترکیه با نمره ۴۹۶، قطر ۴۸۵، امارات ۴۸۳، بحرین ۴۵۸، عربستان ۴۴۹، آذربایجان، ۴۴۰، ازبکستان ۴۳۷ و عمان ۴۲۹ در مقایسه با ایران وضعیت بهتری دارند.

نسبت فقر و معدل دانش‌آموزان

توضیحات بالا و چندین معیار و آزمون اشاره‌نشده از شرایط نامساعد و حتی بحرانی سواد کنونی دانش‌آموزان ایران حکایت دارد؛ شرایط نامساعدی که البته تحلیل‌های متفاوت دارد و درباره ریشه‌ها و راه‌های بهبود آن نگاه‌های مختلفی در همین چندروز گذشته هم مطرح شده است. یکی از نکات برجسته در تحلیل این شرایط اما نگاه «رضا امیدی» جامعه‌شناس است که به‌طور خلاصه می‌گوید نسبت مشخص و مستقیمی بین شرایط اقتصادی و توسعه استان‌ها و وضعیت میانگین نمران دانش‌آموزان وجود دارد. او در این باره در صفحه شخصی خود نوشت: «اخیراً وزارت آموزش‌وپرورش گزارشی از معدل امتحانات نهایی خردادماه ۱۴۰۲ منتشر کرده که در این باره باید به چند نکته توجه داشت: تقریباً در دهه اخیر معدل امتحانات نهایی در محدوده ۱۱.۵ تا ۱۲.۵ بوده است؛ در رشته‌های تجربی و ریاضی کمی بالاتر و در رشته‌های علوم انسانی و معارف کمی پایین‌تر. روند افت کیفیت آموزش عمومی در جزییات نتایج کنکور و در آزمون‌های بین‌المللی هم مشاهده می‌شود.» امیدی در این باره ادامه داد: «در سال‌های اخیر، هم در محتوای امتحانات نهایی و هم در فرم سوالات و نحوه تصحیح برگه‌های آزمون تغییرات زیادی اعمال شده است. برای مثال امسال در برخی درسها ۸۰ سوال با بارم ۰.۲۵ طراحی شده بود و هر برگه را چند آموزگار از مدارس و شهرهای مختلف در سامانه تصحیح می‌کردند. شواهدی هم از سوی آموزگاران ارابه می‌شود که بعضاً اختلال‌هایی در فرآیند تصحیح وجود داشته که چه بسا بر نمره دانش‌آموز هم تاثیرگذار بوده است. به نظر می‌رسد خود نهاد آموزشی با این تغییرات منطبق نشده است. نکته مهم دیگر این است که نقشه وضعیت معدل استان‌ها تا حد زیادی منطبق با نقشه فقر کشور است.» علاوه‌براین «سیدجواد حسینی» معلم و سرپرست پیشین وزارت آموزش و پرورش هم پیش‌تر به مواردی در این وزارتخانه اشاره کرد و ریشه این شرایط را به کمبود امکانات و همچنین رعایت نکردن نسبت‌های استان‌دار نسبت داد. او در این باره در «اعتماد» نوشت: «کمبود معلم باکیفیت یکی از مهم‌ترین متغیرهای تاثیرگذار در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است که به عنوان مثال در مقطع ابتدایی نسبت معلم و دانش‌آموز باید يك به 14 باشد اما هم‌اکنون

این عدد و نسبت يك معلم به بیست و شش ونیم دانش‌آموز است و اگر 13 هزار مدرسه زیر 10 نفر را از این معادله خارج کنیم نسبت معلم به دانش‌آموز به يك به 50 یعنی تقریباً چهار برابر استاندارد می‌رسد نتیجه چنین وضعیتی آرام آرام نظام آموزشی کشور را به سمت تجاری شدن، کالایی نمودن آموزش و پرورش و حاکمیت مناسبات بازار و دره‌ایت طبقاتی شدن امر آموزش سوق داده است. در نتیجه این شرایط آموزش که حق اساسی آحاد دانش‌آموزان است و وفق اصل 30 قانون اساسی رایگان و همگانی است و به عنوان خیر عمومی و همگانی باید تلقی گردد شوربختانه کالایی می‌شود و روابط تجاری و بازاری به آن راه می‌یابد و نتیجه حتمی آن نابرابری‌های آموزشی و بی‌عدالتی در عرصه آموزشی است که به بی‌عدالتی اجتماعی دامن خواهد زد.» او در این باره ادامه داد: «نتایج کنکور و نیز آزمون پرلز این ادعا را به خوبی اثبات می‌کند. در کنکور سال گذشته دهک‌های 8، 9 و 10 که طبقه برخوردار جامعه‌اند 80 درصد رتبه‌های زیر سه هزار دانشگاه را به خود اختصاص دادند و در سال 1402 از 40 نفر رتبه‌های برتر کنکور 37 نفر از مدارس خاص که در تسلط طبقات برخوردارند، بوده‌اند، سهم مدارس غیردولتی از کنکور 80 درصد و سهم مدارس عمومی دولتی 2/3 درصد است، متأسفانه نتایج آزمون پرلز 2021 میلادی هم داستان طبقاتی شدن آموزش و پرورش ایران را روایت می‌کند. نتایج آزمون نشان می‌دهد که خانوارهای سطح بالا 7 درصد با نمره 493 و خانوارهای سطح پایین 55 درصد که نمره 381 را کسب کرده‌اند و متأسفانه تفاوت نمره آنها 112 است درحالی که میانگین تفاوت نمره جهانی بین خانوارهای بالا و پایین 86 نمره گزارش شده است.»

م: : 19 1402